

CHAPTER 4 Calligraphy

Calligraphy is the most esteemed of all the arts, and in treatises on the arts of the book it is the names of calligraphers that are preeminent over those of painters, illuminators, and other artists and craftsmen.¹ Some individuals were admired for their exceptional skill in one or several scripts, such as Ja'far and Azhar, who worked in Herat for Baysunghur in the first half of the fifteenth century. Others were esteemed more for specific innovations: Ibn Muqla (d. 328/940) established a system of geometric proportions for perfecting existing scripts; Ibn al-Bawwab (d. 413/1022) is credited with being the first to copy a Qur'an completely in a cursive script;² and Yaqut al-Musta'simi (d. 698/1298-99) devised a method of trimming the nib of the pen that made his style of writing a model for centuries to come.³

THE EVOLUTION OF NASTA'LIQ SCRIPT

'Ali ibn Hasan al-Tabrizi worked during the late fourteenth and early fifteenth centuries. He is less renowned than Ibn Muqla, Ibn al-Bawwab, and Yaqut, yet he, too, is esteemed for a specific innovation: the "invention" of *nasta'liq* script. In his treatise on calligraphy, written in 920/1514, Sultan 'Ali Mashhadi refers to 'Ali ibn Hasan as the "original inventor" of the new script. He also credits him with being the person who "laid down the rules" for *nasta'liq*.⁴ An examination of the visual evidence of the manuscripts themselves, however, removes some of the glory from 'Ali ibn Hasan, because it proves that the new script did not suddenly emerge fully formed, the result of the genius of one gifted individual; rather, it evolved gradually over a period of several decades. 'Ali ibn Hasan may indeed have played a role in the formation of *nasta'liq* by developing a canon of proportions for the script, but it is a contribution that came only at the end of a long period of development, several decades, in fact, after fully developed examples of the new script had appeared.⁵

Priscilla Soucek has pointed out that when Islamic authors use the terms "invention" or "inventor," they usually mean that a given calligrapher has indeed merely established a canon of proportions for an already existing script.⁶ Never-

Talik
131342

02 Kasım 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELLEN DOKÜMANI

185818

Osmanische Welten: Quellen und Fallstudien

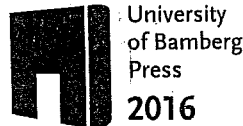
Festschrift für Michael Ursinus

hg. von Johannes Zimmermann, Christoph Herzog
und Raoul Motika

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	185818
Tas. No:	996.07 OSM.W

02 Kasım 2019

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



Ta'lik
191342
Bulak Matbaası
021076

Ta'lik-Drucke in Bülak und Istanbul Zum kalligraphischen Anspruch von Typendruck und Lithographie

Tobias Heinzelmann

Michael Ursinus – meinen späteren Doktorvater – lernte ich ganz zu Beginn meines Studiums an der Universität Freiburg i. Br. kennen. Aus dieser Anfangsphase meines Studiums ist mir insbesondere die „Einführung in die Osmanische Paläographie“ in lebendiger Erinnerung, welche ich im Jahr 1991 bei ihm besuchte, kurz bevor er dem Ruf nach Heidelberg folgte. Es ist also naheliegend, dass sich mein Beitrag den Tücken des Türkischen in arabischer Schrift widmet.

Der Übergang von einer handschriftlichen zu einer zunehmend vom Buchdruck geprägten Buchkultur im Osmanischen Reich ist in letzter Zeit in verstärktem Maß Gegenstand der Forschung. Dabei wird auch zunehmend hinterfragt, inwieweit es sich bei der Einführung des Buch-

209-242

357 RICHARD, F. *Divânî ou ta'lik: un calligraphe au service de Mehmet II, Sayyidi Mohammad Mousî. Les manuscrits du Moyen-Orient: essais de codicologie et paléographie. Actes du Colloque d'Istanbul (Istanbul ... 1986). Ed. F. Deroche. Istanbul: Institut Français d'Etudes Anatoliennes; Paris: Bibliothèque Nationale, 1989 (Varia Turcica, VIII) pp.89-93*

DIVÂNÎ
-TA'LİK

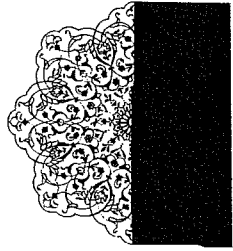
19 KASIM 1993

31 ARALIK 1993

190248 TA'LİK

Boydaş, Nihat: "Ta'lik Yazının Özellikleri ve Resim Sanatıyla Münasebeti", Doktora tezi (Danışman: Prof. Dr. Halûk KARA-MAĞRALI), 190 s. 1987. İ. İ. B. ve Sos. Bil. A. D.

قدیم ترین خط شکسته و خط تعلیق درویش عبدالمجید



27 Aralık 2015

Talikh - 131342

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Nestalikh 140362

محمد علی کریم زاده تبریز

(لندن)

در میان مجموعه نگارنده قطعه خطی است که قدیمی ترین خط شکسته و تعلیق درویش عبدالمجید طالقانی است که در این مجموعه تحت عنوان فرمان شاه طهماسب اول آمده است.



واژگان کلیدی: خط شکسته، خط تعلیق، درویش عبدالمجید طالقانی، فرمان شاه طهماسب اول

با دیدار خطوط شکسته قدیمی که به نحوی در آثار کتابتی ایران مشاهده می شود ریشه اصلی اولیه آن دقیقاً معلوم نمی باشد. تنها یکی از نمونه های شکسته قدیمی که مضبوط در مجموعه نگارنده است همین فرمان شاه طهماسب اول به تاریخ ۹۷۰ هـ. ق است که به علت سندیت آن، فرمان را دقیقاً قرائت کرده و به دیدار علاقه مندان می رسانم.

در بالای تصویر فرمان مهر شاه طهماسب با سجع (بنده شاه ولایت طهماسب) در حواشی نام امامان ذوی الاحرام دیده می شود.

* * *

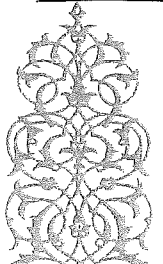
متن فرمان

فرمان همیون شد. آنکه چون عمده الاعیان آدی کور کلوبیک راخوری در سلک ملازمان خاصه شریفه انتظام یافته بنا بر عنایت بی غایت شاهانه درباره مشارالیه مقرر فرمودیم که اصلاً و قطعاً احدی از حکام و تیول آن و داروغگان الکاء گرجستان مانع تصرف مشارالیه در املاک مفصله ضمن متعلقه به مشارالیه نشده گذارند که متصرف شود در این باب قدغن دارند شکر و شکایت مومی الیه را عظیم مؤثر شناسند و کلاء ایالت پناه کملاً لایاله لوند خان حسب المسطور مقرر دارند مطلقاً مانع و مزاحم مشارالیه در املاک مفصله ظهر نشوند و رعایت و مراقبت واجب دارند و چون مهر اشرف رسد اعتماد نمایند.

حرره شهر رجب المرجب انتساب سبعین و تسمائه = (۹۷۰ هـ. ق)

خطوط شکسته این فرمان که به طور حتم به دست یکی از خطاطان درباری که فرمان ها را می نوشته کتابت شده و خط شکسته نیز معمول بوده است. مشخصات بیشتر این فرمان در کتاب (مهرها، طغراهای پادشاهان ایران) تألیف نگارنده به تفصیل یاد شده که علاقه مندان می توانند به صفحات شماره های ۲۰-۳۰ کتاب مذکور مراجعه کرده به امتیازات گوناگون فرمان واقف گردند و همچنین از فرامین سلطان محمد خدابنده به تاریخ ۹۹۲ هـ. ق و شاه عباس کبیر به سنه ۱۰۳۴ هـ. ق که به خط شکسته خوانا نوشته شده اند دیدار نمایند.

۶۸ - VI



معروف است (شمیسا، ص ۱۳۳).

تعقید در ادبیات عرب از قرن چهارم تا ششم و در ادب فارسی از قرن نهم تا پیش از دوره بازگشت ادبی^۵، بخصوص در سبک هندی، فراوان است که همین امر موجب محدود شدن مخاطبان و رکود شعری این ادوار بوده است (صَیْف، ص ۲۷۲؛ همائی، ص ۳۵؛ برای اطلاع بیشتر ← صفا، ج ۴، ص ۱۵۱-۱۵۹؛ هندی^۵، سبک).

منابع: ابن ابی الاصبغ، *تحریرالتحسیر*، چاپ حفنی محمدشرف، قاهره ۱۳۸۳/۱۹۶۳؛ ابن جتی، *الخصائص*، چاپ محمدعلی نجار، [قاهره ۱۳۷۶-۱۳۷۶/۱۹۵۷-۱۹۵۷]؛ چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن رشیق، *العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نغده*، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ ابن طباطبای، *عیارالشعر*، چاپ طه حاجری و محمد زغول سلام، قاهره ۱۹۵۶؛ ابن قتیبه، *ادب الکتاتب*، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر ۱۳۸۲/۱۹۶۳؛ ابن منظور؛ مسعود بن عمر نفاذانی، *شرح المختصر*، چاپ عبدالمتعال سعیدی، مصر: المکتبة المحمودیه، [بی تا]؛ چاپ افست قم [بی تا]؛ همو، *کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح*، [استانبول] ۱۳۳۰، چاپ افست قم ۱۴۰۷؛ عبدالقاهر بن عبدالرحمان جرجانی، *دلائل الاعجاز*، چاپ محمدرشید رضا، بیروت ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ محمد بن عبدالرحمان خطیب قزوینی، *الایضاح فی علوم البلاغة: المعانی و البیان و البدیع*، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا]؛ عبداللّه بن محمد خفاجی، *سرالفصاحة*، چاپ عبدالمتعال سعیدی، [قاهره] ۱۳۸۹/۱۹۶۹؛ محمدخلیل رجایی، *معالم البلاغة در علم معانی و بیان و بدیع*، شیراز ۱۳۴۰ ش، چاپ افست ۱۳۵۹ ش؛ یوسف بن ابی بکر سکاکی، *مفتاح العلوم*، قاهره ۱۳۵۶/۱۹۳۷؛ عمرو بن عثمان سیبویه، *کتاب سیبویه*، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره [۱۳۸۵؟/۱۹۶۶]؛ چاپ افست بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ حسن بن عبدالله سیرافی، *شرح کتاب سیبویه*، ج ۲، چاپ رمضان عبدالنواب، مصر ۱۹۹۰؛ سیروس شمیسا، *بیان و معانی*، تهران ۱۳۷۸ ش؛ ذبیح الله صفا، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۴، تهران ۱۳۷۳ ش؛ شوقی ضیف، *البلاغة: تطور و تاریخ*، قاهره [؟/۱۹۶۵]؛ عبدالقادر حسین، *اثر النحاة فی البحث البلاغی*، قاهره ۱۹۷۵؛ حسن بن عبدالله عسکری، *کتاب الصناعین: الکتابة و الشعر*، چاپ علی محمد بجاری و محمدابوالفضل ابراهیم، [قاهره] ۱۹۷۱؛ محمد بن یزید میرد، *الکامل فی اللغة و الادب*، چاپ تغارید بیضون و نعیم زرزور، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ رضاقلی بن محمد هادی هدایت، *مدارج البلاغة*، چاپ سنگی شیراز ۱۳۳۱؛ جلال الدین همائی، *معانی و بیان*، چاپ ماهدخت بانو همایی، تهران ۱۳۷۰ ش.

/ زهرا نهایندی /

تعقیم ← بارداری و باروری

تعقیم (۱)، نوعی خط تودرتو و پیچیده، برگرفته از خط

توقیع^۶ و رِقَاع^۷. تعلیق در لغت به معنای در آویختن چیزی به چیزی است (شاد، ذیل واژه) و اطلاق نام تعلیق به این خط ناشی از پیچیدگی در نگارش حروف و روانی حروف آن است که گویا بر روی کاغذ معلق اند (سراج شیرازی، ص ۱۴۲؛ هروی، ص ۷؛ مجنون رفیقی هروی، ص ۲۵۷). برخی محققان برآنند که نسخ شیوه ایرانی یا خط تحریری که تحت تأثیر خط پهلوی و اوستایی نوشته می شد (← پهلوی^۸، زبان و ادبیات) در شکل گیری خط تعلیق مؤثر بوده است (فضائلی، ص ۴۰۴-۴۰۵، ۴۱۹). در تعلیق، علاوه بر متصل نوشتن حروف متصل، گاه چندین کلمه را پیوسته می نویسند. این شیوه را، که به ضرورت تندنویسی ایجاد شده است، شکسته تعلیق می گویند. نظم و ترتیب و تناسب اجزای حروف و کلمات، که در خطوط دیگر معمول است، در تعلیق و فروع آن (ترسل و دیوانی) رعایت نمی شود؛ چنانکه کلمات و حروف آن یکنواخت نیست و گاه درشت و گاه ریز نوشته می شود. قَطُّ (برش) قلم تعلیق هم بین «تحریف» (ارتفاع بیشتر نیش راست قلم از نیش چپ) و «مستوی» (قلمی که برش آن تخت و بین صفر تا ده درجه باشد) است (مانند خط نستعلیق)، و هم «محرف» (قلمی که زاویه برش آن تَنَد و در حدود ۳۵ تا ۴۵ درجه باشد) است. حرکات قلم در این خط نرم و تقریباً «دور» (گردش حروف که در دایره های معکوس و مستقیم مانند «ح» و «ق» و «گودی سر ف» و «ق» و «و» و مانند آن به وجود می آید) است (فضائلی، ص ۴۱۹؛ قلیچ خانی، ص ۳۳، ۱۶۱).

خط تعلیق، در آغاز برای کتابت مراسلات دولتی و تنظیم احکام حکومتی به کار می رفت و کاتبان این خط ملزم بودند خطوط دیوانی، چپ (وارونه نویسی)، سیاق^۹ و طغرای را هم خوب بنویسند (حبیب اصفهانی، ص ۱۷۳؛ ایرانی، ص ۱۵۵). این نوع کاربرد و نیز طرز نگارش تعلیق، آن را به «خط ترسل» نیز معروف ساخت (ایرانی، همانجا؛ یوسفی، ص ۳۸-۳۹).

محققان زمینه های پیدایی خط تعلیق را بین قرن چهارم تا ششم تخمین زده اند (همائی، ج ۲، ص ۵۳۲؛ ذابیح، ص ۷۰)؛ اما کهنترین نمونه های به جا مانده از تعلیق و شکسته تعلیق در ایران، سندی متعلق به قرن هشتم (یرلیغ امیرتالش، ۷۲۶) و سند دیگری متعلق به سده نهم (سند صادره از بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی، ۸۲۶) است (محمود بن عثمان، ضمام، ص ۷۵۴-۷۶۱؛ شیخ الحکمایی، ص ۴-۵).

در باره واضح این خط اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی واضح آن را خواجه ابوالعال معرفی کرده اند (حبیب اصفهانی، ص ۲۸؛ ایرانی، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ سپهر، ص ۱۱-۱۲) و بعضی دیگر، واضح آن را حسن بن حسین فارسی (قرن چهارم)؛ از کاتبان دربار دیلمیان، دانسته و گفته اند که وی آن را از خطوط

MİLLÎ EĞİTİM BAKANLIĞI YAYINLARI : 2532

BİLİM ve KÜLTÜR ESERLERİ DİZİSİ : 653

Araştırma - İnceleme Dizisi : 36



Kitabın adı

TA'LİK YAZIYA PLASTİK DEĞER
AÇISINDAN BİR YAKLAŞIM

Yayın Kodu

94.34.Y.0002.1118

ISBN 975.11.0695.8

Baskı yılı

1994

Baskı adedi

20.000

Dizgi, baskı, cilt

MİLLÎ EĞİTİM BASIMEVİ

Araştırma-İnceleme Dizisi

TA'LİK YAZIYA PLASTİK DEĞER AÇISINDAN BİR YAKLAŞIM

Doç.Dr.Nihat Boydaş

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	49246
Tas. No:	745.6 807.T

05 MAYIS 1997

Yayımlar Dairesi Başkanlığı'nın 31.3.1993 tarih ve 2765 sayılı yazıları ile 20.000 adet basılması uygun görülmüş, yine Yayımlar Dairesi Başkanlığı'nın 27.10.1992 tarih ve 8996 sayılı yazıları ile birinci defa birinci parti olarak 5.000 adet basılmıştır.



İstanbul, 1994

Osmanlı hat sanatında ta'lik



İmâd'ın mail nesta'lik kitabı, Veliyyüddin Efendi murakka'sı.

Osmanlı hat sanatında önemli bir yere sahip olan ta'lik yazının doğuşu, gelişimi ve özelliklerini Prof. Dr. **Ali Alparslan** kaleme aldı.

İslam dünyasında kullanılan yazı türlerinden ilki "ku-fi"dir. Bu yazıdan, 8. yüzyılın ortalarında, adına "aklam-ı sitte" denilen "muhakkak" "reyhani", "sülüs", "nesih", "tevki" ve "rık'a" adı altında altı çeşit hat ortaya çıkmıştır. Bunlar görünüş ve kural bakımından birbirlerine yakın yazılardır. Bunları da 15. yüzyılın başlarında ilk örneklerine rastladığımız "ta'lik" yazı izlemiştir.

Ta'lik hat, ilk olarak İran ve Azerbaycan'da ortaya çıkmıştır. 15. yüzyılda, Osmanlı İmparatorluğu döneminde, "divani" ve "celi divani", 18. yüzyılda da "rık'a" adlı hatlar tarih sahnesinde görülmeye başlanmıştır. Ta'lik kelimesi Arapça'da "asma, asılma, asılmış" anlamlarına gelir. Bu adı almasının sebebi de harflerinin birbirine asılmış gibi bir manzara arzemesinden ileri gelmektedir. Bu yazının en göze çarpar özelliği harf şekillerinin birbirleriyle oranlı oluşu ve çizgilerin musikisidir. Musikide nasıl tiz ve pes seslerin birbiriyle kaynaşması, ruhumuzda çeşitli etkiler ve hazlar uyandırırsa bu yazıda da ince ve kalın çizgilerin akışı öyle hazlar uyandırır. Bu yazı, daha gösterişli diyebileceğimiz muhakkak ve sülüs yazılarının ruhta uyandırdığı ihtişama karşın, kişide zarafet ve yumuşaklık hisleri uyandırır. Hemen hemen bütün harfleri birbirine bağlanarak yazılan ve bu yüzden de okunması zor olan ta'lik yazısı süyle İran zekasının ve sanat anlayışının eseridir.

Ta'lik yazı sanatında iki ayrı ekol olduğunu görüyoruz. Bunlardan biri "İran Ta'lik Ekolu", diğeri ise "Türk Ta'lik Ekolu"dür. Türkiye dışındaki ülkeler birinci ekolden sayı-